

مسأله تکنولوژی در اندیشه قرآنی آیت الله جوادی آملی

قاسم جعفرزاده*، شمس الله مریجی**

چکیده

در این مقاله مسأله اصلی این است که نظر کلی قرآن در مورد تکنولوژی بررسی شود و به این پرسش می پردازد که آیا قرآن در این مبحث ساکت است و مسأله تکنولوژی و تصرف در طبیعت را به انسان و عقل معاش او واگذارده است و یا اینکه چارچوب‌های بنیادینی را برای آن ترسیم می کند؟ در این مقاله ابتدا به بیان اصول کلی لازم برای تکنولوژی از منظر قرآن و در اندیشه آیت الله جوادی پرداخته ایم و سپس با نگاه به آثار قرآنی وی و دسته بندی آیاتی که مصادیق فن آوری را بیان می کنند، استدلال شده است که این دسته آیات نمی توانند صرفاً برای هدایت تشریحی و و ناظر به آخرت انسان باشد. در گام بعد با اشاره به سیره انبیا در راه اندازی حکومت الهی و پایه گذاری فن آوری‌های اولیه، به این مسأله پرداخته شده که در بسیاری از موارد خدای متعال از طریق تعلیم انبیا فنون بسیاری را به بشر تعلیم نموده است تا او در ادامه مسیر زندگی آنها را تکمیل نماید.

کلیدواژگان: قرآن، جوادی آملی، هستی شناسی، انسان شناسی، تکنولوژی، طبیعت، خلافت الهی انسان، سنتهای قرآن

*. طلبه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فلسفه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم(ع).

jafar2594@yahoo.com (نویسنده مسئول)

**دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم قم

مقدمه

یکی از سوالات اساسی در بررسی پدیده‌ها این است که دین و متون دینی چه نگاهی نسبت به آنها دارد و این سوال برای مسلمانان در ارتباط با نگاه قرآن کریم به پدیده‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. مساله تکنولوژی و لوازم آن از پدیده‌های مهم در دوره معاصر است و از این جهت کاوش در نگاه قرآن به این پدیده به یک بصیرت اسلامی در این مساله حساس خواهد انجامید. در این راستا جای این پرسشها وجود دارد که نگاه قرآن در بحث نحوه تعامل با طبیعت و تسخیر آن در جهت برآوردن نیازها و استفاده از آن چیست؟ آیا نگاه قرآن نسبت به تکنولوژی خنثی است و یا اینکه قرآن با توجه به مبانی خاصی که دارد، پایه گذار تکنولوژی خاصی است؟

در پاسخ به این پرسشها حداقل با سه برداشت مواجه هستیم که هر کدام ادعا دارند تفسیر برتر نگاه قرآن به مساله نحوه تعامل با طبیعت و بحث تکنولوژی هستند. رویکرد اول معتقد است که قرآن کتاب هدایت است و صرفا برای هدایت بشر به سوی فلاح و رستگاری اخروی آمده است و کاری به امور دنیایی انسانها ندارد؛ بر اساس این دیدگاه، گزاره‌های دینی ناظر به حیات فردی بوده و به سعادت و کمال فرد محدود است و هیچ گونه ارتباطی با جامعه و زندگی اجتماعی ندارد. از این منظر تعالیم و گزاره‌های دین در ابعاد اجتماعی، کامل و جامع نبوده و جامعیت دین در حدی نیست که پاسخگوی مسائل پیچیده جوامع بشری امروز باشد به عبارتی این دیدگاه قائل به دین حداقلی است.

بنابر نظریه دین حداقلی، آموزه‌های اعتقادی دینی هرگز سبب پیشرفت دنیوی انسان‌ها نمی‌شوند و نمی‌توان ادعا کرد که با دین دنیای آبادتری حاصل خواهد شد. در این ارتباط تعالیم اخلاقی دین هم فقط جنبه اخروی داشته و با امور دنیوی انسانها پیوندی ندارد. احکام فقهی دین نیز حداقلی است؛ یعنی نه طهارت فقه برای تأمین بهداشت کامل است و نه آموزه‌های قصاص و دیات موجود در آن حداکثر کار لازم برای پیشگیری از وقوع جرم است. بر اساس این نگاه رسیدن به حداکثر برنامه‌ریزی عقلایی لازم دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷). صاحبان این دیدگاه معتقدند رسالت و هدف اصلی انبیا (و به تبع آن هدف قرآن) معنابخشی به زندگی انسانی است و انسان خود می‌تواند نظام‌های

اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را به شکل صحیحی برگزیند و به کار گیرد. بنابراین شأن قرآن، ساختن بعد معنوی آدمی بوده و بیان نظام‌های اجتماعی نیست (بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۸۰ و مجتهد شبستری، ۱۳۷۷، ص ۴۹۸).

قائلین به نظریه دین حداقلی اشارات قرآن به مسائل دنیایی و اجتماعی را اموری استطرادی و مقطعی معرفی می‌کنند. برخی از قائلان به این نظریه می‌گویند:

«قرآن که ثمره و خلاصه دعوت و زبان رسالت است، نه تنها سفارش و دستوری برای دنیا به ما نمی‌دهد، بلکه ما را ملامت می‌کند که چرا این اندازه به دنیا می‌پردازید و آخرت را که بهتر و ماندگارتر است، فراموش و رها می‌کنید» (بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۶۰).

رویکرد دوم این است که قرآن جامعیت تام دارد و هر آنچه که انسان در دنیا و آخرت، اعم از صنعت و تکنولوژی و پزشکی و ... به آن نیاز دارد همه در قرآن بیان شده است، بر اساس این نظریه، دین و قرآن بیانگر همه حقایق هستی بوده، از این رو بشر باید در همه امور و مسائل فردی و اجتماعی منتظر دستور و امر الهی باشد؛ یعنی در هر امری، بیان نقلی شارع لازم است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۰). به طور شفاف طرفداران این نظریه معتقدند همه چیز در قرآن وجود دارد و در یک کلمه، تمام حقایق جهان در آن آمده است. آنان برای اثبات این سخن به آیاتی از قرآن استناد کرده‌اند (ر.ک: بخاری، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۴۴، و کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۷ - ۵۸).

رویکرد سوم می‌گوید قرآن کتاب هدایت انسان است. بر اساس این دیدگاه، قرآن مجید اصول کلی نیازهای مادی و معنوی و نیز چارچوب اصل تأمین آن‌ها را ارائه کرده است و قوانین و مقررات آن به گونه‌ای تشریح شده است که می‌تواند جامعه انسانی را به کمال و سعادت دنیوی و اخروی رهنمون سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹ و همو، ۱۳۸۸، ص ۲۲۹).

اگر با ملاحظه این سه رویکرد به فن آوری و تکنولوژی از منظر قرآن نگاه کنیم، نتیجه این می‌شود که بر اساس رویکرد اول، قرآن در مورد تکنولوژی نفی یا اثباتا هیچ سخنی ندارد. اما براساس رویکرد دوم قرآن تکنولوژی خاص خود را دارد. قائلان به این رویکرد با نگاهی افراطی در صدد برآمده‌اند، تا بسیاری از دستاوردهای علمی را با قرآن توجیه کنند. بر اساس رویکرد سوم که متکفل برنامه ریزی برای سعادت در دنیا و آخرت است، نمی‌تواند نسبت به

زندگی دنیایی بی توجه باشد، زیرا مسیر سعادت اخروی انسان از دنیا می گذرد و نوع تعامل و زیست در آن و تصرف در عالم مادی، سرنوشت وی را در جهان ابدی رقم خواهد زد. بنابراین لازمه حیات دنیایی بهره مندی از خلقت مادی است و این خود نیازمند تعامل جمعی بین افراد جامعه در یک چارچوب مشخص و معین است، تا زمینه بهره مندی همگان را در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی به نحو احسن فراهم آورد.

در این مقاله برای بررسی امکان پایه گذاری فن آوری از منظر قرآن، ابتدا به اصول و مبانی تکنولوژی از نگاه قرآن خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که تکنولوژی از منظر قرآن در چارچوب معرفتی خاصی قرار دارد و قرآن در راستای پایه گذاری تمدنی پیشرفته با تکنولوژی متعالی و الهی گام بر می دارد. در گام دوم به دسته بندی آیاتی که به دستاوردهای تکنولوژیک اشاره دارد، خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که نمی توان گستره این آیات را صرفاً در جهت هدایتگری اخروی قرآن قلمداد نمود و در آخر هم به سیره رهبران الهی در پایه گذاری تکنولوژی پیشرفته در جهت تسخیر طبیعت اشاره خواهیم نمود.

مبانی تکنولوژی در قرآن

منظور از مبانی در این مقام، اصولی است که قرآن در تعامل با طبیعت بیان نموده تا انسان بر اساس آنها به سراغ طبیعت رفته و در جهت اهداف خاصی در آن تغییر و تصرف به عمل آورد. بنابراین در این باره به طور اجمال مروری بر هستی شناسی و انسان شناسی به عنوان دو مبنای مهم خواهد شد و خلافت انسان و مطالبه خداوند از وی برای آبادانی عالم نیز بررسی خواهد شد.

هستی شناسی

نگرش انسان به تکنولوژی و تصرف در طبیعت، هم افق با نگرش وی به جهان هستی است. کسی که همه موجودات را منحصر در قلمرو ماده می داند تکنولوژی را در نیز در حد تولید مادی و مصرف مادی می انگارد؛ در نگاه چنین کسی «انسان آفریده طبیعت است و در طبیعت وجود دارد و تابع قوانین طبیعت است، خویشتن را حتی در عالم اندیشه،

لحظه ای نمی تواند از این قوانین جدا سازد یا گامی از آنها فراتر نهد» (ویل دورانت، ۱۳۷۸، ص ۷۸۱).

از منظر قرآن مبدأ پیدایش آفرینش و مقصد و منتهای آنها، خداوند متعال است. (هو الاول و الاخر) (سوره حدید، آیه ۳) و حمد و ستایش را مخصوص خداوندی دانسته شده است که خالق آسمان ها و زمین است. (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... (سوره انعام، آیه ۱)

«قرآن، هستی را به غیب و شهادت تقسیم کرده است و خداوند را عالم به هر دو نوع هستی می داند (عالم الغیب و الشهاده)، از این رو، شناخت نیز به ناظر به این عوالم به دو نوع تقسیم می شود؛ بر این اساس، کسی که هستی را فراتر از ماده می بیند، به کار و تکنولوژی نیز با دید وسیع تری نگاه می کند و با تقدس بخشیدن به آن از راه دید معنوی، عرصه های فعالیت را گسترده تر می سازد. با این نگرش عرصه فعالیت و تلاش در تسخیر طبیعت نوعی عبادت در جهت تقرب به خداوند است و انسان تلاشگر همچون مجاهد در راه خدای متعال، دارای ارزش و مقام نزد خدای متعال می باشد. این تلاش هدفمند و غایت محور است که مبدا و منتهای آن در راستای برآوردن رضایت خالق قرار می گیرد.

انسان شناسی مبنای تصرف انسان در طبیعت

بی تردید مسأله انسان و شناخت حقیقت و زوایای وجودی او یکی از مباحث بنیادین در تاریخ علم و معرفت اسلامی محسوب می شود.

انسان شناسی علاوه بر ارائه معارفی در مورد انسان، نقش تعیین کننده ای نیز در نوع نگاه انسان نسبت به امور دیگر دارد و به همین دلیل است که آراء متکثر در این باب با تمام اختلافاتی که با هم دارند، در یک حقیقت مشترک هستند و آن، توجه و اهمیت خاص قائل شدن برای انسان است؛ به این معنی که تمام نظرات در پی یافتن راهی برای سعادت انسانند و در این مسیر برخی از نظرات، تحقیر و تباهی و برخی دیگر تکریم و تعظیم جسم یا روح انسان را براساس تعریف و تبیینی خاص ارائه کرده اند.

با این وصف انسان از نظر قرآن در رأس سه نظام قرار دارد که مکتبهای غیر الهی وی را واجد آن سه نظام خاص نمی دانند: نظام فاعلی، نظام داخلی مخصوص و نظام غایی

خاص.

نظام فاعلی وی آن است که علل پیدایش و پرورش او اموری اند که همگی آفریده خدای یکتا و یگانه اند و تنها مبدأ فاعلی که عالم و آدم از او ظهور کرده، همانا خداوند سبحان است و هیچ عاملی در تحقق انسان، استقلال ندارد و هیچ موجودی نیز در پرورش و اداره او مستقل نیست.

نظام داخلی انسان آن است که حقیقت او روح مجرد و جسم مادی اش است؛ یعنی انسان نه همانند فرشتگان، روح بدون جسم است و نه همچون اجرام خاکی و گیاهی، جسم بی روح است، هرچند مقوم انسانیت انسان، همانا روح زوال ناپذیر اوست که جسم زوال پذیر خاکی را به همراه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۳).

در نگاه قرآنی، تنها بخشی از وجود انسان متعلق به طبیعت است و بخش دیگر آن - که بخشی برتر به شمار می آید - حقیقتی است فراطبیعت و به دلیل آثار و ویژگی ها و کارایی های آن، ارجمند تر و گرانبه تر از طبیعت است. در این نگاه شاخه وجود انسان بر تنه تناور درخت طبیعت و بر سینه ستبر خاک جوانه می زند، اما این فقط بخشی از آفرینش و مرحله نخستین آن است و همه آفرینش انسان از خاک و آب نیست. قرآن کریم مراحل آفرینش انسان را اینگونه بیان می کند که (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلْمٍ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْلِمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) (مؤمنون، ۱۴ - ۱۲)^۱

در قسمت پایانی آیه مذکور، سخن از خلقتی جدید و آفرینش دیگر به میان آمده است که مرحله پایانی و نهایی آفرینش انسان به حساب آمده است و تعبیر (آفرینش دیگر) حکایت از تفاوت مهم این مرحله با تغییرهای تکاملی مراحل پیشین دارد است، در آیات دیگر از دمیده شدن روح در کالبد جسمانی انسان سخن رانده می شود. این روح همان حیات سلولی بدن انسان نیست، چه اینکه از مرحله نطفه شدن، حیات سلولی وجود دارد.

۱. ما انسان را از گل خالص آفریدیم، سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم، آن گاه از نطفه، خون لخته ای آفریدیم و از آن لخته خون، پاره گوشتها و از آن پاره گوشت، استخوانها آفریدیم و استخوانها را به گوشت پوشانیدیم. سپس او را آفرینش دیگر دادیم، در خور تعظیم است خداوند، آن بهترین آفرینندگان

انسان در این مرحله گام از مرحله طبیعت فراتر می‌گذارد و در اصطلاح وحی قرآنی، مسجود فرشتگان قرار می‌گیرد و عناصر لطیف آفرینش، به تعظیم و تکریم او می‌پردازند. (فَإِذَا سُوِّيَتْهُ وَ نَفَخَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَفَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) (حجر، آیه ۲۹).^۱

نظام غایی وی آن است که با مرگ، انسان نابود نمی‌شود بلکه همواره زنده است و بعد از گذشت از دنیا، وارد جهانی پایدار به نام «قیامت» می‌شود و با بدن مناسب آن عالم جاودانه به سر می‌برد و تمام عقاید، اخلاق، اوصاف و همچنین تمام کردار و رفتار او محشورند و هرگز او را رها نمی‌کنند. انسان در مکتبهای مادی و حسی، فاقد نظام فاعلی و نظام غایی یاد شده است و نظام داخلی وی منحصر در ماده و جسم است و روح و اندیشه‌های روحی نیز در این مکتبها تفسیر مادی خواهد داشت.

نظام‌های قرآنی سه گانه و تأثیر آنها بر تکنولوژی

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاسی و اجتماعی که با نظام‌های سه‌گانه انسانی قرآن نیز هماهنگ است، ساختن مدینه فاضله اسلامی، ترسیم مبادی تمدن راستین و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی آن است.

همان‌طور که نظام داخلی انسان را روح و جسم او می‌سازد، لکن اصالت از آن روح بوده و بدن پیرو آن است. تأسیس مدینه فاضله برای پرورش انسانهایی است که در جهت «خلیفه خدا شدن» گام برمی‌دارند و اصالت در این میان نه با تمدن که با خلافت الهی است. در این باره باید گفت که برای مثال بدن هر چند سالم باشد، بعد از مدتی می‌میرد و می‌پوسد؛ ولی روح همچنان زنده و پاینده است. همچنین مدینه فاضله هر چند از تمدن والا برخوردار باشد، بعد از مدتی ویران می‌گردد؛ لیکن خلیفه الله که همان انسان کامل است، از گزند هرگونه زوال در امان است، بنابراین مدینه فاضله در حکم بدن است و خلیفه الله به مثابه روح آن؛ و همان‌گونه که بر اساس اصالت روح، بدن را روح سالم می‌سازد، بنا بر اصالت خلیفه الله، مدینه فاضله را انسان کامل تأسیس و تأمین می‌کند. (همان، ص ۳۳۴).

بر اساس این اهداف والا، انسان باید در مسیر تحقق مدینه فاضله قرآنی گام بردارد و در

۱. پس آن گاه که آفرینش آدم سامان یافت و پایان پذیرفت و من از روح خویش در او دمیدم، همگان برای او به سجده درآیید.

این راه از هیچ کوششی فروگذار نکند. زیرا بستر شکوفایی استعدادهای الهی انسانها جامعه قرآنی و ایمانی است و آبادانی محیط زیست و بهره برداری از منابع آفریده شده در آن، از گامهای مهم تحقق این جامعه و تمدن می باشد. قرآن کریم ضمن اشاره به سرنوشت حتمی بشر در میراثداری بندگان صالح خدای متعال در زمین (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (انبیاء، ۱۰۵) به این نکته هم می پردازد که اگر انسانهای روی زمین در تعامل با محیط پیرامونی خود با تقوا عمل کنند و به مبدا حقیقی، ایمان داشته و در راستای فرمان او گام بردارند، خداوند متعال برکات آسمان و زمین را به روی آنها می گشاید. (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ) (اعراف، ۹۶).

خداوند عالم را دارای شعور آفریده است؛ ظواهر آیات و روایات نیز از فهم و علم همه موجودات حکایت می کند؛ پنج طایفه از آیات، حکایت از تسبیح، سجده، اسلام، طاعت به طوع و رغبت و شهادت همه موجودات می کند.^۱ هر چقدر انسان در هماهنگی کامل با سنت‌های پروردگار گام برداشته و در آبادانی صحیح عالم تلاش کند، تعامل این جهان با انسان هم با اراده خداوند در راستای جامعه آرمانی و ایجاد تمدن قرآنی مثبت و همراه و همگام خواهد بود.

انسان جانشین خدا در آبادانی محیط زیست

زیبایی انسان گذشته از سازمان نظامواره هستی او - که در هر موجود دیگری هر چند ضعیف یافت می شود - در گرو کرامت اوست. متون مقدس آسمانی، به ویژه قرآن کریم، هستی بشر را تکریم کرده و او را موجودی گرمی شمرده و درباره کرامت وی، چنین فرموده است: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) (س اسراء، ۷۰). کرامت انسان مرهون خلافت اوست؛ زیرا جانشین موجود کریم از کرامت برخوردار است و چنین کرامتی که از ناحیه خلافت الهی باشد، بهره غیر انسان نیست. بنابراین، کرامت انسان در پرتو خلافت اوست و

۱. سوره رعد، آیه ۱۵؛ سوره حدید، آیه ۱؛ سوره آل عمران، آیه ۸۳؛ سوره رعد، آیه ۱۵؛ سوره انعام، آیه ۷۳

«خلیفه» آن است که در تمام شئون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب انگیزه شود.

لازمه خلافت الهی آن است که انسان کامل یعنی خلیفه الله همه کمالاتی مستخلف عنه را که خداوند جهان است، به اندازه سعه هستی خود فراهم کند و در همه آن کمالات وجود، مظهر خداوند سبحان شود، بنابراین آنچه به نام قسط و عدل و نظایر آن به اسم «اهداف حکومت اسلامی» از آنها یاد می‌شود، همه کمال به شمار می‌آیند؛ لیکن تمام آنها جزو فروعات کمال اصلی‌اند، زیرا انسان متعالی که خلیفه خداست، مصدر همه آن کمالات است، چون خلافت خدا مستلزم آن است که خلیفه وی مظهر آن همه چیزهایی باشد که در تأمین سعادت ابد سهیم است و در تدبیر جوامع بشری نقش سازنده دارد. یکی از شئون خداوند که مستخلف عنه بشر در زمین است، ربوبیت اوست. رب از منظر قرآن کریم آن موجودی است که هم اصل وجود اشیاء به دست اوست، هم بقاء آنها بعد از پیدایش وابسته به اوست، هم هدایت کننده ی مخلوقات به سوی غایت و کمالشان می‌باشد؛ و تمام اسمائی که در این روند دخیلند در واژه ی رب گنجانده شده اند.

پس خدا اصل وجود اشیاء را افاضه و آنها را به اراده ی ازلی و ابدی خویش حفظ می‌کند و بازگشت همه ی اشیاء نیز به سمت اوست. تا این مقدار همه ی موجودات با هم یکسانند اما از آنجا که موجودات مادی به خاطر ماهیت سیالشان، کمالات وجودی خود را به تدریج دریافت می‌کنند، ربوبیت خدا در مورد آنها به صورت هدایت آن به آن نیز ظهور دارد؛ یعنی موجودات مجرد و غیر مادی از ابتدا در حد کمال خویش آفریده شده اند و سیر تکاملی، به آن معنا که در موجودات مادی معتبر است، برای آنها معنا ندارد؛ اما موجود مادی برای رسیدن به غایت و هدف نهایی خویش، نیازمند تدبیر مداوم و افاضه کمالات ثانوی است. لذا ربوبیت خدا برای اکثر مردم، در همین سیر تکاملی نمود پیدا می‌کند؛ و از همین روست که ربوبیت را با واژه ی پروردگاری معنی می‌کنند؛ چرا که پرورش، یعنی شکوفا نمودن تدریجی استعدادها و بالفعل نمودن تدریجی بالقوه‌ها. نمود ربوبیت تکوینی خداوند متعال در موجودات مادی با نهادن نیروی درونی در آنهاست که موجب می‌شود، به سوی غایت و کمال خویش حرکت جوهری داشته باشند. این نیروی مرموز را در جمادات و گیاهان، طبیعت یا نفس جمادی و نباتی گویند که موجب تمام فعل و انفعالات

شیمیایی و بیوشیمیایی بوده و نظام جمادات و نباتات را سامان می دهد. انسان اگر بخواهد شان خلافتی خود را در ربوبیت پروردگار عالم تحقق بخشد، وظیفه دارد تا زمین را آباد گرداند و با تصرف الهی در منابع موجود در آن، محیط پیرامون را در اختیار بندگان خدا قرار دهد. بنابراین تصرف در طبیعت و استفاده از آن به بهترین شکل ممکن وظیفه الهی انسان است و انسان مومن باید در این راستا کوشش مستمر داشته باشد، پس فعالیت تولیدی و کسب و کار، با چیرگی بر طبیعت و استخدام آن، وظیفه مستمر روزانه است.

آبادانی زمین مطالبه خداوند از انسان

خداوند متعال آبادانی زمین را از انسان مطالبه کرده است؛ (هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ) (هود، ۶۱). خداوند مواد خام را به عنوان غذای سفره طبیعت خلق کرد و به انسان، هوش، استعداد، فناوری و خلاقیت داد تا به عنوان مهمان بر سر سفره مواد خام طبیعت بنشیند و از این مواد به بهترین وجه بهره مند شود و زمین را آباد و محیط زیست را سامان بخشد، از این جهت از انسان خواست با بهره گیری از این مواد خام به آبادانی زمین پردازد: (وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا) تا زندگی مناسبی برای بشر فراهم شود. باب استفعال (استعمار) در اینجا برای تحقیق است؛ یعنی به جد از شما خواست تا زمین را آباد کنید.

بنابراین انسانهای بالیمان توفیق آبادانی زمین را دارند؛ اگر موجودی دعوای خلافت کند، ولی مطابق «مستخلف عنه» نیندیشد و انگیزه پیدا نکند، ادعای او صادق نیست، بلکه غاصبانه بر کرسی خلافت تکیه زده است؛ (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ) (جاثیه، ۲۳) چنین بشر هوامدار و هوس محور به مقام منیع خلافت خدا بار نمی یابد و در نتیجه از کرامت خلافت سهمی ندارد.

اصل استخدام متقابل

فعالیت تولیدی و کسب و کار، با چیرگی بر طبیعت و استخدام آن، وظیفه مستمر روزانه است. خدای سبحان می فرماید: (و جعلنا النهار معاشاً) (نساء، ۱۱) روز را برای تحصیل معاش مقرر کردیم: (إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحاً طَوِيلًا) (مزل، ۷)؛ تو را در روز برای

طلب روزی، کوشش و فرصتی وسیع است.

حوزه فعالیت بشر، محدود به نقطه خاصی نیست؛ بلکه از اعماق دریاها تا اوج آسمانها و فراخنای خشکی و صحرا میدان کار و تلاش است: (هو الذی جعل لکم الأرض ذلواً فامشوا فی مناکیها وکلوا من رزقه) (ملک، ۱۵)؛ اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید؛ پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی او بخورید؛ (و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحماً طریاً و تستخرجوا منه حلیةً تلبسونها و تری الفلک مواخر فیه و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون) (نحل، ۱۴)؛ اوست کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن، گوشت تازه بخورید و از آن زیورهایی که چون در و مرجان و خز می پوشید، بیرون آورید و کشتی‌ها را در آن، شکافنده می‌بینی تا از فضل او بجوید و باشد که شکر گزارید. از سوی دیگر وجود استعدادهای متفاوت و همتهای گوناگون و سلیقه‌های مختلف که موجب پدید آمدن شغل‌های متنوع می‌شود، براساس حکمت الهی و لازمه خلقت و ضرورت ادامه حیات جوامع بشری است. از این رو، خداوند در قرآن می‌فرماید: (نحن قسمنا بینهم معیشتهم و رفعا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضاً سخریاً) (زخرف، ۳۲)؛ ما خود، معاش و روزی بندگان را در دنیا بین ایشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا بعضی از آنان برخی دیگر را به نحو متقابل و متعامل به خدمت گیرند. پس علاوه بر اینکه انسان در راستای برآوردن نیازهای زندگی خود طبیعت را به خدمت می‌گیرد، از وجود انسانهای دیگر هم به صورت متقابل استفاده می‌نماید تا بر اساس استعدادهای افراد تقسیم کاری صورت پذیرد و چرخ جامعه حرکت کند و این یکی از اساسی‌ترین پایه‌های ایجاد تکنولوژی در راستای پایه‌گذاری تمدن قرآنی و دینی است.

بنابراین، دست آفرینش برای چرخش این نظام، در وجود هر فردی توانی مخصوص و استعدادی ویژه به ودیعت نهاده، به گونه‌ای که فرد به تنهایی نمی‌تواند همه نیازهای خود را بر طرف سازد و ناچار باید افراد گوناگون و استعدادهای مختلف را در جهت رفع نیازهای خود، به خدمت گیرد. از این رو، اصل استخدام امری طبیعی است؛ ولی چگونگی آن باید در چارچوب ضوابط شرعی و اخلاقی قرار گیرد.

ایجاد زمینه برای پیدایش تکنولوژی

یکی از عوامل فردی و زمینه‌های اجتماعی تحقق پدیده‌های انسانی، ترسیم امکان دستیابی به آن، جرات دادن به آحاد جامعه و تشویق آنها برای حرکت دادن افراد در جهت دستیابی به آن است؛ به طوری که بسیاری از فن‌آوری‌های موجود ابتدا در قالب فیلم‌های علمی - تخیلی وارد ذهن مخاطبین گردید، سپس ذهن‌های فعال و جستجوگر دانشمندان به دنبال راه‌های علمی ایجاد آن فن‌آوری گشت و به تدریج نسخه‌های ابتدایی و بعد نسخه‌های پیشرفته آن وارد زندگی اجتماعی انسانها گردید. در این راستا رساندن جامعه به خود آگاهی در مورد داشتن توانایی برای ایجاد تغییرات در محیط پیرامون و ایجاد بستر علمی لازم برای آن و لزوم تلاش در این مسیر مورد تاکید قرآن کریم می‌باشد. علاوه بر این قرآن گام فراتر نهاده و از تحقق آن در آینده خبر می‌دهد که این امر به نوبه خود جامعه را به سوی حرکت در این مسیر سوق می‌دهد و هیمنه و دشواری کار را بر آنها آسان می‌سازد. به طور مثال به سه مورد از مصادیق تکنولوژی اشاره می‌کنیم که قرآن کریم از تحقق آن خبر داده و امکان رسیدن به آن را بازگو می‌کند.

انسان از سالها قبل به آسمانها می‌نگریست و شبها ماه را می‌دید اما حتی اگر سودای سفر به ماه را نیز در سرش داشته بود، تصور نمی‌کرد که روزی به ماه سفر بکند. اما با پیشرفت علم امکان سفر به بیرون از کره زمین میسر شد. در زمانی که تنها وسیله نقلیه اعراب، اسبها و شترهایشان بود، قرآن کریم در سوره الانشقاق آیات ۱۸-۲۰ به این موضوع به صورت تلویحی اشاره کرده است:

(وَالْقَمَرَ إِذَا اتَّسَقَ ، لَتَرَكُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ، فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ)

سوگند به ماه چون [بدر] تمام شود که قطعاً از حالی به حالی برخواید نشست پس چرا آنان باور نمی‌دارند .

نکته جالب این آیه واژه طَبَقًا عَن طَبَقٍ است که می‌تواند به معنای از لایه یا طبقه ای به لایه یا طبقه دیگر باشد که قرآن اشاره فرموده، زیرا فضاپیماها پس از پرتاب شدن از یک لایه جو به لایه دیگر می‌روند و فضا پیما برای خروج از لایه‌ها و جو زمین معمولاً به صورت زیگ زاگ حرکت می‌کنند که قرآن کریم در ۱۴۰۰ سال قبل به این مساله اشاره کرده است.

مورد دوم اینکه در زمان نزول قرآن مردم با پای پیاده و یا با چهار پایان به مسافرت می رفتند و کشتی و قایق سریع ترین وسایل نقلیه بودند. در آن زمان حتی ممکن نبود به ذهن اعراب این فکر برسد که شاید روزی بشر به ابزارهای حمل و نقل بهتر از اسب و شتر دست یابد، در حالی که قرآن کریم در سوره نحل آیه ۸ به این موضوع اشاره می کند: (وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)، و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد] و آنچه را نمی دانید می آفریند در سوره یس آیه ۴۱ و ۴۲ نیز به این موضوع اشاره شده است: (وَأَيُّ لَهُمْ أَنَا حَمَلْنَا دُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ) (وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ) و نشانه‌ای [دیگر] برای آنان اینکه ما نیاکانشان را در کشتی انباشته سوار کردیم و مانند آن برای ایشان مرکوبها [ی دیگری] خلق کردیم.

نمونه دیگر این که در عربستان آن روز نیز هیچ اثری از آن نبود و امکان نداشت انسان‌های گذشته پیش بینی بکنند، این است که شاید روزی انسان بتواند از کره زمین خارج شود، اما قرآن کریم ۱۳۰۰ سال قبل، در آیه ۳۳ سوره الرحمن، به وقوع پیوستن آن را پیش بینی کرده است:

(يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَتَفَدُّوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ)

ای گروه جنیان و انسیان اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید پس رخنه کنید [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی (قدرتی) رخنه نمی‌کنید.

ترجمه دقیق واژه بَسُلْطَانٍ عربی در پایان آیه «با قدرت و نیرویی بزرگ و عظیم» است. در برخی جاها نیز بعنوان نیروی روشن نیز از آن یاد می شود که قرآن این موضوع را با جزئیات آن پیش بینی کرده است. زیرا برای فرستادن موشک به فضا نیز انرژی بسیار زیادی صرف می شود. در مورد تمامی موشک‌ها و فضا پیمایی که به بیرون از جو زمین و فضا نیز فرستاده می شوند، این مطلب صدق می کند و میلیون‌ها تن انرژی و هزینه صرف انجام گردش انسان در فضا می شود شاید منظور قرآن نیز از نیروی عظیم این قدرت عظیم و تکنولوژی بشر در قرن ۲۱ بوده است. از نگاه قرآن کریم نشانه‌ها و آیات گوناگون الهی نهفته در متن طبیعت، برای کسانی تدبیر شده است که از ویژگی تفکر، خردورزی و

پندگیری و نتیجه یابی برخوردار باشند. (أفلاینظرون الی الابل کیف خلقت و الی السماء کیف رفعت و الی الجبال کیف نصبت و الی الأرض کیف سطحت) (غاشیه، ۲۰ - ۱۷)

آیا آدمیان نمی نگرند و نمی اندیشند که ساختمان بدنی شتر چگونه آفریده شده است، و به سوی آسمان، نظر به تحقیق و تدبر نمی گشایند که چگونه افراشته آمده است و به کوهها فکر نمی کنند که چگونه برکشیده اند و به زمین نگاه نمی کنند که چگونه گسترده شده است. بنابراین قرآن انسان را مخاطب قرار داده و برمی انگیزد تا در جهت تصرف طبیعت و ایجاد دانش لازم در این زمینه گام بردارد.

مصادق‌های تکنولوژی در قرآن

در نگاه به آیات قرآن که به نوعی به مساله تسخیر طبیعت و ایجاد تغییر در آن و ایجاد فن آوری اشاره دارد، در می یابیم که آیات قرآن در چند بخش به این موضوع اشاره کرده است: در بخشی از آیات که به آیات آفاقی معروف است، به خلقت طبیعت از جمله آسمان و زمین و دریا و بادها و نقش آنها، کوهها و ... اشاره می کند. در دسته دوم که به آیات انفسی مشهور است، خداوند خلقت خود انسان و اسرار آفرینش در بعد مادی و غیر مادی او را بیان می کند و تاکید می کند که (سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم) (فصلت، ۵۳). در بررسی این آیات ملاحظه می شود، خدای متعال ضمن اشاره به رموز هستی جهت تقویت ایمان و باور قلبی مخاطبین و اثبات حقانیت قرآن موارد متعددی از مصادیق عینی تکنولوژی و دستاوردهای علمی را برمی شمارد که حتی فهم صحیح بعضی از آنها برای انسانهای عصر نزول قرآن ناممکن است. به طور نمونه به چند آیه از آیات آفاقی اشاره می شود:

آفرینش بدون ستون آسمان:

(الله الذی رفع السموات بغير عمد ترونها) (رعد، ۲) خدا همان کسی است که آسمانها را چنان که می بینید بدون ستون برپاداشت. مفسران معتقدند آسمان دارای ستون هایی است که دیده نمی شوند و این تفسیر به واقعیت نزدیک تر است، زیرا ضمیر «ها» در «ترونها» به «عمد» بر می گردد نه آسمان. دانشمندان معاصر تفسیر نوینی بر این آیه

حرجا کا نمايَصَدَّ فِي السَّمَاءِ (انعام، ۱۲۵)، آن کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را با پرتو ایمان گشاده برای پذیرش اسلام می سازد و آن کسی را که خدا بخواهد، گمراه کند، سینه اش را به گونه ای تنگ می سازد که گویی به آسمان صعود می کند. در حالی که هیچ وقت طبقات بالایی جو را بشری نپیموده بود، قرآن از این قانون موجود در جو خبر می دهد.

ازدیگر اعجاز قرآن درباره کشف قوانین طبیعی هستی در آفاق می توان به بنای آسمان که بلند و استوار است (نازعات، ۲۷-۲۸)، قانون جاذبه ی عمومی نیوتن (رحمان، ۷)، نقش ستارگان در ردیابی مسیر(نحل، ۱۵؛ انعام، ۹۷)، سقف یاهمان جو آسمان (انبیاء، ۳۲)، لقاح گیاهان توسط بادها (حجر، ۲۲)، تشکیل انواع ابرها (نور، ۴۳)، نقش کوهها در حفظ زمین و برقراری امکان حیات در آن (نبا، ۷ و مرسلات، ۲۷ و رعد، ۲)، وجود سبزینه یا کلروفیل در گیاهان و نقش آن در چرخه غذایی موجودات (انعام، ۹۹) و دهها آیه ی دیگر اشاره نمود. در بررسی آیات انفسی هم که اشاره شد، قرآن در آیات متعددی مراحل خلقت انسان، ابعاد مادی و غیر مادی او، پیچیدگی های انسان و تکالیف او در برابر خدای متعال و آفریده های او را بیان می کند.

با نگاه به این آیات به نظر می آید خدای متعال فقط به دنبال این نیست که ایمان مومنان را با خبر دادن از رموز هستی افزون گرداند، بلکه علاوه بر این، قوانین مهم و سنت های حاکم بر هستی را که لازمه بهره مندی بهتر انسان از طبیعت است، بیان می کند. چون اگر فقط مساله هدایت صرف مد نظر باشد، بسیاری از آیات مذکور اصلا برای مخاطبین عصر نزول قابل فهم نبود تا مایه ترقی ایمان آنها باشد. لذا هدف بیانی خدای حکیم می تواند به صورت لایه مندو چندبعدی بوده و یکی از آن اهداف راهنمایی انسان به سوی بهره مندی از نعمتهای خلق شده برای انسان و پایه گذاری تکنولوژی و فنون لازم برای این هدف باشد.

سیره رهبران دینی در پایه گذاری و گسترش فن آوری در قرآن

قرآن وقتی از حاکمان الهی که موفق به تشکیل حکومت در جامعه و راه اندازی حاکمیت سیاسی الهی شده اند، سخن می گوید، اهتمام آنها را در پایه گذاری فنون و

تکنولوژی و صنعت بازگو می کند و آن را به عنوان وظیفه رهبران الهی مورد ستایش قرار می دهد. در این راستا به تعدادی از این مصادیق اشاره می شود:

۱. شکوفایی صنعت و هنر در حکومت سلیمان

سلیمان(ع) که حکومت اسلامی را در پهنه وسیعی از زمین آن زمان گسترش داد، از امکانات فراوانی برخوردار بود، قرآن کریم نحوه استفاده او را از وسایل صنعتی آن روزگار چنین بازگو می کند: (...وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقَظْرِ) (سبأ، ۱۲)؛ ما برای او چشمه مس گداخته را سیل گونه روان ساختیم؛ (يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانَ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ) (سبأ، ۱۳) (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

کارگزاران نظام اسلامی سلیمان (ع) هم در صنعت معماری بناهای بلند و قصرهای منیع می ساختند و هم در صنعت نقاشی و هنر، تمثال فرشتگان و پیامبران و صالحان را با زیبایی ترسیم می کرده اند تا ضمن تشویق به هنر و ارضای غریزه هنرجویی، روش بهره برداری درست را ارائه نمایند و اسوه ها را به صورت نقاشی، فراسوی مردم نصب کنند تا با مشاهده نقش، هنر بیاموزند و با شهود منقوش، سعادت را تحصیل کنند و نیز در صنعت فلزکاری، ظروف مورد نیاز فردی و جمعی را می ساختند تا در طی هنرآموزی، وسایل رفاهی را فراهم نمایند و آیین بهزیستی را در سایه تأمین لوازم ضروری زندگی بیاموزند، لذا به ساختن ظرفهای بزرگ و کاسه های عظیم و دیگهای رفیع و استوار می پرداختند و در عین حال که نعمت صنعت را بجا صرف می کردند، به شکرگزاری خداوند مَنّان مأمور شدند که هم نعمت مواد خام و معدنی را آفرید، هم نعمت استخراج آنها را در اذهان بشر خلق کرد، هم نعمت هنر صنعت و ساخت و ساز وسایل سودمند را یادشان داد. جریان ورود ملکه سبا به ساحت قدس سلیمان (ع) و مشاهده قصر ظریف شیشه ای و پندار آب و بالا زدن پوشش پا، شاهد بر پیشرفت صنعت معماری؛ هنری و صنعتی آن عصر است؛ (قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ ...) (نمل، ۴۴) (همان، صفحه ۵۳).

۲. مأموریت داوود(ع) در تعلیم صنعت زره‌بافی به مردم

داود که پدر سلیمان بود و زمینه حکومت اسلامی را با رهبری انقلاب و ستم‌زدایی عصر خود آغاز کرد و از امکانات مناسبی متنعم بود، مأمور شد از نعمت غیبی خداوند که آهن سرد سخت را در دستش چون موم نرم کرده بود، صنعت زره‌بافی را ارائه کند و نظم هماهنگ بندها و حلقه‌های زره را رعایت نماید. بیان قرآن مجید در این باره چنین است: (وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أُوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّارُ لَهُ الْحَدِيدَ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا ...) (سبأ، ۱۰ - ۱۱)، (وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَهُ لَبِوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنَ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ) (انبیاء، ۸۰).

نکته قابل توجه آنکه صنعت زره‌بافی جزء علوم عملی و هنری است و قابل انتقال به غیر می‌باشد، لذا قرآن در این باره به کلمه «تعلیم» تعبیر نمود، ولی نرم نمودن آهن در دست، چون موم، هرگز جزء علوم نظری یا عملی نخواهد بود؛ زیرا به کرامت روح ولی خدا و نزاهت نفس رسول حق وابسته است، لذا قرآن در این باره تعبیر به «تعلیم» نکرد؛ بلکه به کلمه (اللَّيْنُ) بسنده نمود تا روشن شود که لَیْن و نرم شدن آهن در دست داوود با قدرت غیبی میسور می‌شود. البته آهن را از دیر زمان با آتش نرم می‌کردند، لیکن آن کار، جزء علوم عملی است و امر عادی می‌باشد؛ نه خارق عادت.

۳. کشتی سازی نوح(ع) با تعلیم الهی

نوح، شیخ‌الانبیاء(ع) که نه تنها در مسئله وحی و نبوت جزء پیشگامان رسالت است، بلکه در جریان استفاده صحیح از علم صنعت از پیشکسوتان به شمار می‌آید و خداوند هم تعلیم کشتی‌سازی او را به عهده گرفت، هم توفیق و تأیید عملی آن را عهده‌دار شد. قرآن کریم در این باره چنین می‌فرماید: (... اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا ...) (هود، آی ۳۷)، (فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا) (مؤمنون، ۲۷).

خلاصه آنکه اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است و لزوم استفاده صحیح از آن در سیره عملی زمامداران دینی بیان شده است و مضاف بر این مهم‌ترین بهره‌درست از صنایع پیشرفته هر عصر عبارت از تأمین نیازهای علمی و عملی مردم آن عصر است. آنچه در قرآن یاد شد، جنبه تمثیل دارد؛ نه تعیین؛ یعنی مثال بهره

صحیح در قرآن بازگو شد، نه آنکه استفاده درست منحصر در همین چند مورد باشد. برای مثال صنعت کشتی‌سازی نوح(ع) الگویی برای ساخت و پرداخت هرگونه وسایل نقلی دریایی و زیردریایی، اعم از وسیله نقل مسافر، بار و مانند آن، و نیز وسایل نقلی زمینی و هوایی به طور عام است و صنعت زره‌بافی داوود(ع) الگویی برای ساختن هرگونه وسایل دفاعی است؛ خواه در برابر تیر و مانند آن، خواه در قبال سموم شیمیایی و نظایر آن، و صنعت معماری و کارهای دستی و ظرایف هنری و ساختن ظروف فلزی سلیمان(ع) نمونه‌ای برای ساختن هرگونه لوازم زندگی که نیازمندیهای فردی یا گروهی و همچنین نیازمندیهای هنری و ادبی به آن برطرف می‌گردد است.

۴. ذوالقرنین و ساختن سد نفوذناپذیر

اکنون مناسب است آنچه از ذوالقرنین نقل شده بیان شود. گرچه قرآن از نبوت او سخن نگفته، ولی روش پسندیده او را با برخورداری از همه وسایل مقدور آن عصر به طور نسبی گزارش داده که وی از تمام امکانات لازم بهره‌مند بود و کارهای قابل توجهی کرد که یکی از آنها ساختن سد عظیم و نفوذناپذیر بود که بر اثر ارتفاع و صاف بودن، قابل فتح نبود و بر اثر استواری و استحکام، قابل نقب و سوراخ نمودن نبود؛ زیرا آن سد مهم از خاک، آجر، سنگ، سیمان و مانند آنها نبود؛ بلکه سد عظیم فلزی بود که از پاره‌های آهن و مس گداخته ساخته شد. بیان قرآن مجید در این باره چنین است: (ءَأَتُونِي زُبْرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَأَتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا) (کهف، ۹۶)؛ پس از چیدن تکه‌های آهن همانند قطعات سنگ، دستور داد که با استفاده از کوره آهنگری در آن بدمند تا کاملاً قطعه‌های آهن به صورت آتش گداخته درآید، آنگاه دستور داد مس گداخته را در آن کاملاً تعبیه نمایند تا به صورت سد تام فلزی درآید.

از مجموعه این مباحث می‌توان خط مشی حاکمان الهی را درباره بهره‌برداری از صنایع استنباط نمود که استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند رواست، ولی بهره‌برداری از آن در امور تخریبی، تهاجمی، سوزنده، کشنده و تباه‌کننده زمین یا دریا، هوا، گیاهان، جانوران، انسانها، مناطق معمور یا ... هرگز روا نیست (همان، ص ۵۶).

نتیجه گیری

از مجموع آیات قرآن استنباط می شود که اولاً آیات قرآن در ارتباط با تکنولوژی بی طرف و خاموش نیست، بلکه با بیان اصول و مبانی لازم، زمینه پایه گذاری تکنولوژی و صنعت بر مبنای وحی را پایه ریزی می کند، ثانیاً فن آوری بر خواسته از افق نگاه قرآنی آسیب‌های تکنولوژی مدرن امروزی را نخواهد داشت که یا ماهیتاً با آن در مواردی متفاوت است و یا اینکه به نحوه استفاده از محصولات تکنولوژی جهت می دهد و آسیب‌های آن را می زداید.

از نگاه قرآنی عالم طبیعت مسخر انسان است و انسان خلیفه خدا در زمین است و در واقع یکی از شئون خلافت این است که انسان خلیفه خداوند وظیفه دارد در راه آبادانی آن و اعتلای کلمه حق در آن تلاش نماید و آبادانی و عمران زمین و طبیعت، شکوفا نمودن استعدادهای نهفته در عالم، زیبا نمودن آن و تعالی هنرمندانه آن از وظایف انسان در این باره است. همچنین قرآن متکفل بیان جزئیات علوم و تکنولوژی نیست، بلکه مهم تر از آن بیان رویکردها و ایجاد بستر لازم برای آن و تنظیم چارچوب‌های آن است تا در آن قالب تکنولوژی و فن آوری تکون و رشد یابد. قرآن کریم ضمن تبیین جایگاه حقیقی انسان در نظام هستی و نیازمندی های او، برآوردن این نیازها از طبیعت مخلوق الهی را در جهت کمال انسان و خدمت به هم نوعان عبادت تلقی کرده و انسان را در این راه ترغیب و تشویق می کند.

همچنین قرآن با بیان نمونه های عینی از پایه گذاری تمدن الهی انسانی توسط پیامبران و فرستادگان، مصداق های تعلیم الهی در تکنولوژی را بیان می کند و این خود ضرورت تعلیم الهی به توسط رسولان و در راستای تعلیم قرآن را برای تعلیم علوم مرتبط با فن آوری و تمدن را آشکار می کند.

فهرست منابع

قران کریم

۱. بازرگان، مهدی، خدا و آخرت هدف رسالت انبیاء، تهران، موسسه فرهنگی خدماتی رسا، ۱۳۷۷
۲. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، تنظیم مصطفی خلیلی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸
۳. -----، جامعه در قرآن، تنظیم مصطفی خلیلی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹
۴. -----، اسلام ومحیط زیست، تنظیم عباس رحیمیان، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶
۵. -----، سروش هدایت، تنظیم عباس رحیمیان، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵
۶. جعفرزاده، قاسم، ارزش کار و مقام کارگر در اسلام، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۳
۷. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح أصول الکافی، مصحح: خواجوی، محمد، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳
۸. عبدالرزاق، علی، الاسلام و اصول الحکم، بیروت، طبعه دار مکتبه الحیاه، ۱۹۶۶
۹. مجتهد شبستری، محمد، نقد قرائت رسمی از دین (بحران ها، چالش ها و راه حل ها)، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷
۱۰. ویل دورانت، تاریخ تمدن، تهران انتشارات علمی و فرهنگی، جلد نهم، ۱۳۷۸
۱۱. بخاری، اسماعیل، تاریخ الکبیر، ج ۹، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۷ق
۱۲. فیض کاشانی، محمد، تفسیر الصافی، ج ۱، تهران، مکتبه الصدر، ۱۳۷۲.

The Problem of Technology in Ayatullah Javadi's Quranic Thought

By: Qasem Jafarzadeh (Ph.D Candidate of Philosophy of Social Sciences ,Baqir-ul-Ulum University)¹

&

Sham-u-llah Mariji(Associate Professor at Social sciences Department , Baqir-ul-Ulum University)

This paper is to study the general view of Quran about technology and to answer this question if Quran is silent in terms of the technology and possession and interference of the man in nature?or it is left to the man and his reason ?or the frameworks and foundations of possession and interference of the man in nature have been explained by Quran?

In this paper the author first deals with the general principles of technology from the perspective of Quran and Ayatullah Javadi's thought, then by having a review on Ayatullah Javadi's Quranic works and categorization of the Quranic verses which explain the examples of technology has come to the conclusion that these verses are not merely as some revealed laws for the man's guidance and focusing on the life in hereafter. Pointing to the conduct and life style of the prophets ,the paper finally deals with this Quranic matter that God taught his prophets techniques and technology to teach them the people through prophets so that the people can complete and develop those learned techniques and create more modern technologies.

Keywords: Quran.Javadi Amoli,Ontology, Anthropology, Technology, Nature, Divine caliphate of the Man ,Quranic Traditions.

*. jafar2594@yahoo.com. (Corresponding author)